

## بادداشت

## هنر و بازاری آفرینی اجتماعی

**علیرضا کریمی‌صاری**
**عکاس و مدرس دانشگاه علم و صنعت ایران**

● آنتونی کیدنز در کتاب جامعه‌شناسی خود می‌نویسد: «شخصیت و بینش ما شدیداً متأثر از جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم. درعین‌حال، در رفتارهای هر روزمان زمینه فرهنگی و اجتماعی را که فعالیت‌هایمان در آنها رخ می‌دهند فعالانه بازآفرینی می‌کنیم و از نو شکل می‌دهیم».
با توجه به نظرات کیدنز ما، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، چگونه توسط افراد جامعه بازآفرینی می‌شوند؟
اصلاً ابزار بازآفرینی فرهنگی اجتماعی در جامعه امروز ایران چیست؟ هرچند بدون اغراق می‌توان گفت جامعه جهانی به ابزار قدرتمند هنر، به‌ویژه هنر شرق، بیش از پیش پی برده است و همواره از این وسیله قدرتمندجهانی برای انتقال مفاهیم اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری و… بهره فراوان می‌برد؛ به‌گونه‌ای که «هربرت رید» در کتاب «معنی هنر» می‌نویسد: «حالا رفته‌رفته داریم ییاد می‌گیریم که براساس بهترین موازین ذوق شرقی خود را از بد تمیز دهیم و در موزه‌های ما آن اشنایی پر از ریزه‌کاری و پر از تزئینات را که پدرانمان می‌پسندیدند رفته‌رفته کنار می‌گذاریم یا در زیر زمین‌ها دفن می‌کنیم و نمونه‌های واقعی هنر شرقی را می‌خریم و به نمایش می‌گذاریم. اما هنر شرقی راز خود را آهسته فاش می‌کند و می‌توان گفت برای آنکه انسان این آثار هنری را به‌طورکلی درک کند باید چشمان تازه‌ای به دست بیاورد و با نگاه تازه‌ای به دنیا بنگرد».

حال با توجه به این تفکر جهانی، ما در کجای این نقطه اتصال قرار داریم؟ آیا نباید با برنامه‌ریزی دقیق و حمایت‌های اصولی و واقعی، تلاش بسیار کنیم تا هنرمندان و آثارشان در سراسر جهان به عنوان اندیشمندان راهبردی، برای بازآفرینی یک تفکر فرهنگی ایفای نقش کنند؟ اگرچه، هنر نوعی اندیشه یا به قول آندره ژید «اغراق در یک اندیشه است»، اما عدم حضور آثار هنری به عنوان یکی از ارکان تأثیرگذار در رشد فکری، رسالت هنر را در جامعه دچار سرکشتگی می‌کند و به جرئت می‌توان گفت که تعادل و توازن بین کفه ترازوی ثروت و آگاهی اجتماعی فرهنگی در جامعه به هم خواهد خورد و آنجاست که کافی شاپ‌ها و فست‌فودها شلوغ‌تر از نگارخانه‌ها، کتاب‌فروشی‌ها، کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی است.
شاید برای اثبات این‌ادعا لازم است عصر جمعه سری به یکی از نگارخانه‌های تهران بزنیم؛ حاضران گردآمده در این مکان‌های شریف را ببینیم اغلب، دانشجویان رشته‌های هنری، هنرمندان جوان و دوستان صاحب اثر در نگارخانه هستند. در اینجا سؤالی مطرح می‌شود که تهران تقریباً با ۱۳ میلیون نفر جمعیت که بخشی از آن شامل پزشکان، مهندسان، استادان دانشگاه، آموزگاران، بازرگانان، بازاریان، سیاست‌مداران و صد البته سلبریتی‌ها و… می‌شود، کجا هستند؟ شاید هنوز به قدرت هنر و ایفای نقش هنرمندانه آن در بازآفرینی اجتماعی فرهنگی آن اعتقادی نداریم و همواره فاصله‌ای غیرمنطقی بین خود و هنر ایجاد می‌کنیم و شاید به‌قول دوستی! عادت به گالری‌گردی و لذت‌بردن از هنر و سپس تفکر درباره آن نداریم؛ هرچند به داشتن آن بسیار تظاهر می‌کنیم.

جای تاسف است که صاحبان ثروت در این آب و خاک با هنر بیگانه باشند و عمارت‌ها و قصرهای خود را با آثار هنرمندانه هنرمند ایرانی زینت نبخشدند؛ به بازآفرینی اجتماعی فرهنگی جامعه خود نیز نیندیشند. اما آنچه مشهود است، ضروری است در مرحله اول، بازآفرینی فکری را در خودمان ایجاد کنیم تا شاید در آینده شاهد بازآفرینی فرهنگی اجتماعی در جامعه نیز باشیم. یکی از ابزارهایی که همواره کشورهای پیشرفته را در امور بازآفرینی اجتماعی موفق کرده است، بالاترین سطح آگاهی مردم ازطریق رسانه‌های گروهی و ارائه اطلاعات درست و مشارکت آنها در تقویت زیرساخت‌های فرهنگی- هنری و ویژگی‌های فرهنگی خود است.

با تقویت این زیرساخت‌ها، تفکر و اندیشه جایگاه اصلی خود را یافته و جامعه را به سمت‌وسوی بازآفرینی فرهنگی اجتماعی به‌منظور دستیابی به زندگی بهتر رهنما خواهد بود و به‌دنبال آن کنکاش جامعه در دریافت اطلاعات بیشتر از حوزه‌های مختلف، برای تغییر در ساختار فکری و بازآفرینی اجتماعی برای رسیدن به تعادل و توازن بین ثروت و فرهنگ است. اما در قیاسی منصفانه و بدون تعصب برای رسیدن به آنچه نیاز اساسی امروز کشور عزیزمان ایران است، جدیت بسیار و عزم ملی برای بازآفرینی اجتماعی فرهنگی کشور و استفاده درست از هنر به‌منظور تغییر دیدگاه شخصی در کنش‌های اجتماعی از مهم‌ترین امور است.

**پانوشته‌ها:**

۱- **کیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نی تهران، ص ۵۱.**

۲- **رید، هربرت (۱۳۸۰) معنی هنر، ترجمه نجف دریابندری، علمی و فرهنگی، ص ۷۹.**

**گروه هنر:** نشست رسانه‌ای «هیئت مؤسس انجمن فارغ‌التحصیلان باغ فردوس» صبح روز گذشته ۱۸ دی‌ماه

در «موزه سینما» برگزار شد.

در ابتدای این نشست «کامران ملکی» ضمن خوشامدگویی به حاضران در نشست، به نقش مهم «مرکز اسلامی فیلم‌سازی باغ فردوس» که در آستانه ۴۰سالگی است، در تربیت نیروی انسانی سینمای ایران اشاره کرد. در ادامه رهبر قنبری از اعضای این انجمن گفت: «ایده اصلی تشکیل این انجمن ناشی از مهر و محبت همایون علیخانی بود که ذاتا انسانی مهربان و شریف است. در قدم بعدی من نامه‌ای به سازمان سینمایی نوشتم تا ما را در تشکیل این انجمن یاری دهند و تقریباً همه امکانات لازم از سوی موزه سینما، خانه سینما، مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و… در اختیار

ما گذاشته شد. از همین رو دو روز بعد انتخابات جدید شکل می‌گیرد و امیدوارم گروه‌های جدیدتر و جوان‌تر در این انجمن حضور داشته باشند.»
هیئت مؤسس این انجمن اظهار کرد: «وقتی در مورد سینما صحبت می‌کنیم شاید خیلی منظور ما سینمای معمول نیست. بلکه سینما به‌عنوان یک خلابی در زمینه‌های مختلف مواجه شده بود و نیاز به نیروی تازه‌نفس انسانی داشت تا دوباره با بگردد. در ابتدا باغ فردوس در شرایطی راه‌اندازی شد که ما مرکز و آموزشگاهی نداشتیم که بتواند نیروهای جدید را آموزش دهد. برای این امر مدیران موفق لازم بود تا امکانات را فراهم کنند. مکان مناسب برای برگزاری آموزش و حضور اساتید مطرح از نیازهای مبرم بود. باغ فردوس فعالیت‌های خود را در حالی شروع کرد که هر کدام از اساتید آن می‌توانستند یک آموزشگاه سینمایی را اداره کنند. از نام مدیران تا اساتید و فارغ‌التحصیلان می‌توان فهمید که گروه خوبی در روزهای سخت شرایط جنگی بهترین امکانات را در اختیار بچه‌ها قرار دادند و با تلاش‌های دوستان در دهه ۷۰ این مرکز با عنوان انجمن شروع به فعالیت کرد.»

# سرنوشت «مرکز اسلامی فیلم‌سازی باغ فردوس»

رهبر قنبری در پاسخ به سؤال «شرق» که «منابع مالی شما چگونه تامین می‌شود»، گفت: «ما به جیب خودمان وابسته‌ایم. البته آقای محمدمهدی حیدریان، رئیس وقت سازمان سینمایی برای اولین بار برخی هزینه‌ها را تقبیل کرد. اما درکل ما به صورت مستقل عمل می‌کنیم». همچنین سیاوش دولت‌سرایی افزود: «در ابتدا به دلیل گستردگی امکانات هم‌زمان در باغ فردوس هم کار و هم دانش وجود داشت. ولی بعداً به دلیل سوءمدیریت از این ظرفیت در سینما استفاده نشد! ما به دفاتر انجمن سینمایی جوانان ایران رفتیم و اولین بار در سال ۶۷ دور هم جمع شدیم و اولین انجمن دانش‌آموزختگان را با هدف تولید فیلم راه‌اندازی کردیم که منجر به تولید چند فیلم شد. از همین رو انجمن سینمای جوانان ایران با حضور فارغ‌التحصیلان باغ فردوس شکل گرفت. حتی پایه‌های مرکز گسترش با رویکرد مستند – چون آن زمان لفظ تجربی استفاده می‌کرد – توسط همین بچه‌ها پایه‌ریزی شد.»

همایون علیخانی عنوان کرد: «این انجمن بدون داشتن شکل قوی برای رسیدن به اهداف خاص فیلم‌سازی، نمی‌تواند حرکت کند. این حرکت مستلزم آموزش جدید توسط نیروهاست تا حرکت جدیدی در سینما شکل بگیرد و اصلاً هدف من و

### هنر

دوستانم همین است.»
غلامرضا صیامی‌زاده هم اظهار کرد: «بخشی از برنامه‌های آینده ما مربوط به بخش داخلی می‌شود که برخی از کارهای آنها را شروع کرده‌ایم و فیلم‌های دانش‌آموزختگان را آبان ماه در گروه «هنر و تجربه» به نمایش گذاشتیم. در بخشی دیگر هم با برقراری ارتباطات بین‌المللی آثار فارغ‌التحصیلان را نمایش می‌دهیم که قرار شده در کشور ترکیه به نمایش درآیند. قصد هم داریم به کمک شرکایمان در ترکیه، با کشورهای اروپایی و همسایه هم مرتبط شویم.»

ارد عطارپور، مستندساز شناخته‌شده هم توضیح داد: «اصلاً گرایش به ساخت فیلم‌های مستند توسط دانشجویان باغ فردوس در سال‌های ابتدایی قابل توجه بود. چون اساتید آنها خود علاقه‌مند به مستند بودند. حال‌ها آتار آنها نه تنها کهنه نشده بلکه هنوز هم تازه هستند. در آن زمان عدالت‌خواهی شکل گرفته بود و بچه‌هایی از مناطق مختلف آمده بودند و مستند می‌ساختند. نمی‌دانم حالا با چه درصد از انرژی آن زمان جلو می‌رویم اما فکر می‌کنیم قرار است یک اتفاق فرخنده رخ دهد. کسانی که آن روزها دانشجوی اینجا بودند و یک ویژگی داشتند؛ سهم‌خواهی نمی‌کردند و

## گفت‌وگو با کتابون شهایی، پخش‌کننده و تهیه‌کننده فیلم «حوا، عایشه، مریم»

## مردم افغانستان با سینما چندان آشنا نیستند



ساخت فیلم را گرفته است. قرار ما این بود که اگر بتواند فیلم‌برداری را در افغانستان انجام دهد، من به عنوان تهیه‌کننده با او همکاری کنم. باید بگویم صرف‌نظر از مشکلات امنیتی در افغانستان، ساختار سینمایی نیز در این کشور به دلیل ۴۰ سال جنگ، وجود ندارد و مردم با سینما چندان آشنا نیستند که همین موضوع هم کار ما را تا اندازه‌ای دشوار می‌کرد. فیلم باید

در شهر کابل و خیابان‌های آن فیلم‌برداری می‌شد و نمی‌توانستیم آن را مانند بسیاری از فیلم‌ها در جاهای دیگر بسازیم و بگویم اینجا افغانستان است. راستش اوایل باورم نمی‌شد و می‌گفتم خطرناک است. اما صحرا مصمم بود که فیلم را بسازد زیرا مطمئن نبود موقعیت افغانستان کی بهتر می‌شود؛ پس اگر الان این کار را انجام دهم شاید دیگر هیچ وقت نتواند این فیلم را بسازد. چنین سختکلی چندین بار برای خودم در ایران به وجود آمده بود، پس قبول کردم. بسیار زود فیلم را ساخت و راش‌ها را برایم فرستاد. درواقع زمانی وارد تهیه‌کنندگی فیلم شدم که راش‌ها را دیدم و تا قبل از این تمام اعتبار و ساخت فیلم در افغانستان به خود صحرا کریمی برمی‌گردد. برای ساخت این فیلم در افغانستان امنیت جانی نبود و عوامل ریسک بزرگی کردند و کار ایشان، آقای بادروح، آقای آیکون و تیم ایرانی‌شان قابل تقدیر است.

● **این فیلم در جشنواره ونیز نمایش داده و حتی برای حضور در اسکار انتخاب شد. دلیل موفقیت فیلم را در چه می‌دانید؟**

فیلم «حوا، مریم، عایشه»، فیلمی زیروبستی است. شخصاً برای این، این فیلم را دوست دارم که فیلمی بی‌ادعاست که زندگی سه زن را بدون «درام‌درشت» به تصویر کشیده. یکی از دلایل توفیقش در خارج از کشور و کابل بسزاد که به من خیر داد مجوزهای امنیتی برای

## دریچه

## تحلیل جالب مایکل موراز واکنش نظامی ایران علیه آمریکا



● **گروه هنر:** «مایکل مور»، مستندساز هالیوودی برنده اسکار و از مخالفان سرسخت سیاست‌های دولت آمریکا، در پستی جدید در صفحه اجتماعی خود درباره واکنش نظامی اخیر ایران علیه آمریکا نوشت. «مایکل مور» در صفحه اینستاگرام خود ضمن اشاره به آغاز انتقام ایران به سبب شهادت سردار قاسم سلیمانی، با ارائه تحلیلی درباره علت و ضرورت حضور او در عراق از سوی ایران، این حضور را طبیعی دانسته و افزوده است: «انتقام توسط ایران آغاز شده است. من دعا می‌کنم که فرزندمان و دختران ما در

نیروهای مسلح خوب باشند. من اعتماد دارم و انتظار دارم که ایران وعده خود را حفظ کند و هیچ غیرنظامی آمریکایی را نکشد. به یاد داشته باشید هرآنچه شما از ترامپ و فامیل‌های او در مورد ایران می‌شنوید، مثل هر چیز دیگری که او می‌گوید دروغ است. خوشبختانه بسیاری از رسانه‌ها امشب در مورد دروغ‌های او درباره این جنگ همین حرف را می‌زنند. ما باید مقاومت کنیم. ما باید صحبت کنیم. ما نباید دروغ‌ها را تکرار کنیم». او افزود: «باعث تعجب من می‌شود که ایران هرگز به این کشور حمله نکرده است، هیچ‌وقت چیزی در کشور ما را بمباران و منفجر نکرده است، هرگز آمریکایی‌ها را در این خاک نکشت، هرگز تلاش نکرد ما را نابود کند؛ با توجه به آنچه که ما با آنها انجام دادیم. یک تاریخ ۷۰ ساله مطلق و کاملاً ویرانگر ایالات متحده آمریکا که با رهبری کودتا برای سرنگونی دولت

منتخب دموکراتیک ایران (۱۹۵۳) و سیا یک دیکتاتور را که ما به‌عنوان «شاه ایران» می‌شناسیم منصوب کرد. وی به مدت ۲۵ سال به‌عنوان یک قاتل بی‌رحمانه حکومت کرد. شکنجه، قتل و زندان‌ها از مخالفان پر شد. سرانجام مردم در سال ۱۹۷۹ با یک انقلاب قیام کردند. آنها دست‌نشانده ما را سرنگون کردند و یک سال گروگان‌های آمریکا را نگه داشتند. اما آنها را نکشتند و یک دقیقه پس از تحلیف ریکان آنها را آزاد کردند. یک سال کج‌ها به ما متحد صدام‌جنس، کمک کردیم به ایران حمله کند. پس از هشت سال جنگ، ما به عراق کمک کردیم که قریب به یک میلیون ایرانی را بکشد. پس از آن ما تحریم‌ها را بر روی مردم ایران قرار دادیم و آنها را حتی بیشتر رنج دادیم. آنها نفت ما را داشتند و ما هرگز از تهدیدکردن آنها دست برنداشتیم. من نمی‌خواهم چیزی را توجیه کنم. فقط عقل سلیم را بیان می‌کنم. اگر به طور غیرقانونی به یک کشور دیگر حمله کرده و غیرنظامیان آن را به قتل برسانید، انتظار داشته باشید که خودتان توسط هر کسی در منطقه کشته شوید، زیرا شما هیچ حقی ندارید در آنجا باشید. من به شما می‌گویم سردار سلیمانی قصد حمله به آمریکا را نداشت. همه اینها توسط ترامپ ساخته شده است.»

## نامه ایوبی به دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو بعد از تهدید ترامپ

● **گروه هنر:** پس از تهدید رئیس‌جمهور آمریکا به تخریب مراکز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، حجت‌الله ایوبی، دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو ایران، نامه‌ای اعتراضی به دبیرکل این نهاد جهانی نوشت. در متن این نامه آمده است: «همان‌طور که مستحضرد رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در اقدامی شگفت‌آور و غیرمتمدانه در توییت مورخ ۱۵ دی‌ماه ۱۳۹۸ مکان‌های مهم فرهنگی تمدن چندین هزارساله ایرانی را تهدید به تخریب و نابودی کرده است. به خوبی می‌دانید که بر اساس مصوبه سازمان ملل متحد این اقدام ناقض هنجارهای بنیادین جامعه جهانی به شمار می‌رود. متأسفانه در دهه گذشته جهان شاهد ظهور گروه‌های افراطی مانند داعش می‌باشد که با چنین اندیشه‌های خطرناکی ضربه‌هایی کاری و جبران‌ناپذیر به میراث فرهنگی بشری در کشورهای منطقه ما وارد آوردند. آنها با

تخریب بناهای تاریخی و کهن، فرهنگ و تمدن بشری را مورد هدف قرار دادند. این‌ها که به برکت فداکاری و جانفشانی مردم منطقه و رشادت‌های سردار شهید قاسم سلیمانی ریشه داعش در منطقه خشکانده شد، تفکر و اندیشه خطرناک داعش به زبان رئیس‌جمهور آمریکا بازتولید می‌شود. توییت اخیر رهبر یکی از بزرگ‌ترین کشورهای جهان به وضوح نماد حمایت همه‌جانبه از گروه‌های افراطی در تخریب میراث فرهنگی کشورهاست و مجوزی است برای ادامه این کار در آینده. با توجه به نقش کلیدی یونسکو در حفظ میراث فرهنگی و با تأکید ویژه بر کنوانسیون ۱۹۵۴ حفظ میراث فرهنگی در جریان جنگ مسلحانه و همین‌طور در راستای رسالت اصلی یونسکو که استقرار صلح و ترویج عدالتی خاسته‌ از صلح میان ملت‌ها است، از सरकार عالی‌حکومت‌مأمین محکوم‌کردن این اقدام افکار عمومی را از خطرات چنین رفتارهایی آگاه کنید. بی‌گمان جامعه فرهنگی، نخبگان و دوستداران تاریخ و فرهنگ جهان، منتظر اعلام موضع مناسب سازمان علمی و آموزشی یونسکو به‌عنوان مهم‌ترین سازمان فرهنگی جهان است. پیشاپیش از توجهتان سپاسگزارم.»